

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی عناصر زندگی شهری در رمان فانتزی دشت پارسوا

ناصر شیری زاده بلاسی

کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

Naser60khat@gmail.com

چکیده

رمان فانتزی امروزه در میان نوجوانان بسیار محبوب است. داستان‌های فانتزی به خاطر ماهیت خیالی خود اغلب از مکان‌هایی سخن به میان می‌آورند که دور از ذهن بشر است و درحقیقت واقعیت ندارد. نویسنده می‌کوشد با ساخت و طرح‌ریزی محیط‌های غیرواقعی و توصیف آن‌ها، ذهن خواننده را به محیط جادویی مدنظر خود بکشاند و حوادث و کشمکش‌ها را در آن سازمان‌دهی کند. با این حال رمان فانتزی دشت پارسوا کوشیده است با تلفیق فضای خیالی و واقعی روایتی باورپذیر و ملموس ارائه دهد. بررسی عناصر زندگی شهری در این رمان نشان می‌دهد که این داستان با وجود اینکه در قلمرو پریان اتفاق می‌افتد، شباهت‌های بسیار زیادی به زندگی انسانی دارد.

کلیدواژه: فانتزی، عناصر داستان، رمان نوجوان، مکان، دشت پارسوا.

مقدمه و بیان مسئله

امروزه داستان‌ها و رمان‌های نوجوان، خصوصاً داستان فانتزی محبوبیت بسیاری دارد. در این میان سهم آثار ترجمه قابل مقایسه با آثار بومی نیست. عوامل بسیاری در این موضوع نقش دارند که از موضوع بحث ما خارج است؛ اما شکل‌گیری و ورود کتاب‌های فانتزی خارجی به بازار کتاب کشور، نویسندگان ایرانی را به فکر خلق آثار مشابه انداخته است. به‌رغم تلاش‌های بسیاری که در این عرصه انجام شده، به نظر می‌رسد فانتزی بومی راه دور و درازی در پیش دارد؛ خاصه که هنوز تا حد زیادی تحت سیطره‌ی فیلم‌ها و رمان‌های غربی است.

به هر تقدیر رمان فانتزی اثری است که در آن، نگرش به واقعیت با سایر آثار ادبی تفاوت دارد. فانتزی نه به طور کامل جذب واقعیت می‌شود، نه از آن فاصله می‌گیرد؛ بلکه در تلفیقی از دنیای واقعی و خیالی شکل می‌گیرد. در این آثار دو دنیا به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شکل موازی حرکت کرده و گاه با هم درمی آمیزند (موسوی و جمالی، 1388: 64). بنابراین مکان داستان فانتزی اولین چیزی است که توجه مخاطب را به خود جلب می کند. البته باید به این مهم توجه داشت که مکان عنصر جدایی ناپذیر و حذف نشدنی در هر متن روایی است. حتی اگر داستان بر خیال صرف مبتنی باشد، باز هم نمی تواند در خلأ روی دهد؛ بنابراین با هر نوع داستان که روبه رو باشیم، مکان را نمی توان نادیده گرفت (شریف نسب، 1400: 36). از نظر نیکس¹ (2020) مکان که اغلی تحت عنوان زمینه یا محیط از آن یاد می شود، از مهم ترین مولفه های ژانر فانتزی در نگاه مخاطبان است. باید گفت اهمیت مکان تنها بدان سبب نیست که یکی از عناصر هنری داستان را تشکیل می دهد یا حوادث در آن جریان می یابد و شخصیت های داستانی در آن به حرکت درمی آیند. هرچند موارد یاد شده در اهمیت یافتن مکان بی تأثیر نیست، دلیل اصلی اهمیت این عامل آن است که مکان در برخی آثار داستانی به فضایی تبدیل می شود که تمام عناصر داستان از جمله حوادث یا شخصیت ها و روابط میان آن ها را در خود جای داده و به روند شکل گیری داستان کمک می کند (اصغری، 1388: 30).

داستان های فانتزی به خاطر ماهیت خیالی خود اغلب از مکان هایی سخن به میان می آورند که دور از ذهن بشر است و درحقیقت واقعیت ندارد. نویسنده می کوشد با ساخت و طرح ریزی محیط های غیرواقعی و توصیف آن ها، ذهن خواننده را به محیط جادویی مدنظر خود بکشاند و حوادث و کشمکش ها را در آن سازمان دهی کند. باید توجه داشت که این امر همواره مصداق ندارد و هستند بسیاری رمان های فانتزی که در محیط واقعی (شهری یا روستایی) اتفاق می افتد و این حوادث، موجودات و اتفاقات فراواقعی هستند که در نهایت به تولید ادبی در قالب فانتزی می انجامند. حاصل کلام آنکه مکان داستان فانتزی خواه واقعی باشد خواه خیالی، این عناصر و موجودات فانتزی هستند که داستان را در ذهن خواننده باورپذیر می کنند.

از سوی دیگر به فراخور تغییرات اجتماعی و اقتصادی و گسترش چشمگیر زندگی شهرنشینی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، نوجوانان امروزه و تحت تأثیر سکونت در شهر، با پدیده ها و مظاهر جامعه ی شهری روبه رو بوده اند. با توجه به اینکه مخاطب بیشتر رمان های فانتزی غالباً نوجوان هستند، همخوانی محیط داستان با درک و دریافت مخاطبان، بسیار مهم به نظر می رسد. از همین رو بررسی محیط به تصویر کشیده شده در داستان های کودک و نوجوان ضروری می نماید (حسن لی و املشی، 1391). فضاهای شهری به بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها اطلاق می شود که تبلور ماهیت زندگی جمعی را می توان در آن جستجو کرد. به عبارت دیگر، به جایی گفته می شود که شهروندان در آن حضور دارند. فضای شهر صحنه ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود. فضایی که به هم می دهد که به آن دسترسی داشته و در آن فعالیت کنند (قربانی سپهر و جان پرور، 1398: 55 و 54).

از میان کوشش های نویسندگان ایرانی، کتاب دشت پارسوا نوشته ی مریم عزیزی و داستان دختری است به نام ماندانا توسی که با همسایه ی دیوار به دیوار خویش، آبتین - که از جنس پریان است - آشنا می شود. آبتین از او در برابر مزاحمت پسران دفاع می کند و بدین ترتیب دوستی ایشان آغاز می شود. ماندانا طی حادثه ای سر از سرزمین جدیدی درمی آورد که **دشت پارسوا** نام دارد. نیازان، یکی از جادوگران باستانی که طبق پیش گوئی ها وارد کننده ی ماندانا به دشت بوده، مسئولیت تعلیم و حفاظت از او را بر عهده می گیرد. فضای داستان این مجموعه ی شش جلدی به کل در دشت پریان - که بیشتر آن ها از فنون مختلف جادوگری بهره مند هستند - می گذرد و ماندانا به مرور زمان با زندگی جدیدش کنار می آید و درمی یابد که نیروهای جادویی در وجود خویش دارد. با افراد زیادی آشنا می شود که این آشنایی ها چالش ها، حوادث و تجربیات جدید برای او به همراه دارد (شیری زاده بلاسی، 1401: 39).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با توجه به مطالب یادشده این پژوهش به دنبال طبقه‌بندی و معرفی مصادیق زندگی شهری در رمان دشت پارسوا است.

یافته‌ها

مصادیق زندگی شهری در رمان دشت پارسوا زیاد است. این داستان با وجود اینکه در قلمرو پیرایان اتفاق می‌افتد، شباهت‌های بسیار زیادی به زندگی انسانی دارد. در نگاهی کلی می‌توان عناصر زندگی شهری در این رمان را در چهار دسته جای داد:

الف. ساختمان‌ها

بدون حضور ساختمان، تصور شهر و عناصر شهری ممکن نیست. ساختمان‌ها و مکان‌های موردبحث در رمان دشت پارسوا، شامل فروشگاه، مغازه‌های کوچک، اماکن تفریحی همچون موزه و چاخانه و... می‌شود. با این حال، ساختمان‌های این اثر در سه شکل عمده نمود پیدا کرده‌اند.

1- مکان‌های اداری و عمومی

دادگاه

«با درود.

بدین‌وسیله دادگاه رسمی دشت پارسوا از شخص شما دعوت می‌کند در جلسه‌ی دادرسی و احقاق حقی که در رابطه با زیر پا گذاشتن قوانین، رأس ساعت ده روز شنبه دوازده برج اسفند در محل دادگاه همومی برگزار می‌شود، حضور به هم رسانید» (ج1: 77).

چایخانه

«به محض ورود به چایخانه، اولین چیزی که توجه ماندانا را به خود جلب کرد، دلبازی، روشنی و پاکیزگی آنجا بود» (ج1: 133). رفت‌وآمد مشتریان به چایخانه درست شبیه به کافی‌شاپ‌های امروزی است: «چای‌خانه کم‌کم از مشتری پر می‌شد. به تعداد زوج‌ها افزوده می‌شد. آبتین کف دستش را زیر چانه‌اش گذاشته و با حسرت مشغول تماشا بود» (138).

کتابخانه

«پانزده دقیقه بعد، بالاخره پنجره باز شد و آبتین پایین جست و به طرف کتابخانه راه افتاد» (ج1: 157).

موزه

«ساختمان موزه زیر روشنایی‌های نصب‌شده بر بام بلندش، از آن سوی میدان، رو به آسمان قد کشیده بود» (ج2: 278).

مدرسه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«نمایی از مرمر خاکستری در برابرش، رو به آسمان قد کشیده بود. بالای ردیف پله‌ها، روی کاشی کاری سردر ساختمان، با خط زیبا و درشتی نوشته شده بود: مدرسه‌ی جاودان شهر» (ج1: 198).

2- فروشگاه‌ها

فروشگاه اسباب‌بازی

«ماندانا تا وقتی که آبتین باقی بسته‌ها را به فروشگاه منتقل کند، کمی در اطراف قدم زد. فروشگاه‌های که اول از همه توجهش را جلب کرد، یک‌جور عروسک‌فروشی بود... روی سردر فروشگاه نوشته بود: اسباب‌بازی‌های نازی خاتون» (ج1: 53).

نوع معامله و دادوستد در این فروشگاه‌ها مشابه دنیای واقعی است: «تا وقتی داخل فروشگاه گل‌آرا شود و به جلوی پیشخان برسد، کلاه ردایش را از صورتش پس نزد... گفت: بهتون گفته بودم که تا قبل از سه‌شنبه بار پودر پوست فندق نمی‌رسد.» (ج6: 34)

میوه‌فروشی - کتاب‌فروشی - لباس‌فروشی

«از برابر میوه‌فروشی‌ای پر از انواع و اقسام میوه‌های چهارفصل، یک کتاب‌فروشی و یک فروشگاه کیف و پاپوش گذشت و سرانجام در برابر فروشگاه‌های ایستاد که پیراهن‌های زنانه می‌فروخت» (ج1: 55).

3- خانه‌ها

«دو سوی خیابان، خانه‌هایی کوچک با نماهای آجری و سیمانی دلگیر، رو به آسمان نارنجی غروب قد کشده بودند. تعدادی کودک با رخت و لباس‌های چرک و اغلب کهنه، وسط خیابان ایستاده بودند و صحبت می‌کردند» (ج1: 195).

فضای داخلی منازل مانند دنیای واقعی حمام، آشپزخانه و دستشویی دارد:

«ماندانا جوابش را گرفته بود. از دستشویی بیرون آمد» (ج3: 109)

«ساعتی بعد، خیس و آب‌چکان مقابل آینه‌ی گرمابه ایستاد» (ج1: 169).

ب. مصنوعات ساخت بشر

وقتی از فضای شهری سخن به میان می‌آوریم، نمی‌توان ابزار و سایر پدیده‌های انسانی را از آن جدا کرد. به عبارت دیگر مفهوم شهر و زندگی شهری با مصنوعات بشری همراه و آمیخته است. از این رو توجه به مصنوعات ساخت بشر در داستان‌های فانتزی حائز اهمیت است. در دشت پارسوا این امر نمود فراوانی دارد.

1- لوازم منزل

گردسوز

«کیانیک گردسوز را از روی میز برداشت و رو به صورت او گرفت: این مدت با خودت چی کار کرده‌ای؟ پای چشمت چقدر خط افتاده.» (عزیزی، ج3: 20)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

کبریت

«چگونه می‌توانست چشم روی هم بگذارد؟ نیمه‌های شب بود که بالاپوشش را روی شانه‌هایش انداخت، بشکته‌ی خالی جو را از انبار بیرون کشید. هیزم و روغن چراغ درونش ریخت. عروسک را تویش انداخت و کبریت کشید و به تماشای شعله‌ها ایستاد.» (همان، ج 6: 163)

ساعت

«ساعت از یک و ربع گذشته بود و ماندانا مشغول دور دوم هم‌زدنش بود.» (ج 1: 83)

قندان

«آبتین در قندان را باز کرد و گفت: از ماهرخ خوشتر می‌آد. سختگیره اما قابل تحمله.» (ج 1: 135)

مبلمان

به خانه رفت و تا زمان رفتن در سرسرا منتظر ماند. دیگر تمام زوایا و خصوصیات آنجا را از حفظ بود. رنگ زرد روشن دیوارها، چراغ‌های روشنایی برنجی قدیمی، تابلوی بزرگ آویخته از دیواره‌ی بالای پیش‌بخاری که دشتی پر از گل‌های قاصدک و استوخودوس را نشان می‌داد، مبل‌های چرمی یکدست سیاه و شکم‌داده در گذر زمان و چند صندلی چوبی نیمه‌پر از اشیاء تزئینی سنگی، سفالی و بلوری...» (ج 1: 49)

در نمونه‌ای دیگر، به چیدمان زندگی انسانی در جلد نخست این اثر برمی‌خوریم: «رازبان آن قدر صبر کرد تا صدای قدم‌های آبتین در راهرو محو شد. بعد سراغ بخاری دیواری رفت...» (ج 1: 68)

2- ابزارها

چراغ‌قوه

«برای احتیاط ده دقیقه‌ی دیگر هم دست نگه داشتند و بعد یک به یک بار دیگر مرئی شدند. آبتین پرده‌های ضخیم و سنگین پنجره‌ها را کشید و بعد چراغ‌قوه‌ای به دست هر کدامشان داد...» (ج 2: 222)

هرچند تلفیق دنیای واقعی و خیالی به جذابیت و عینی‌تر شدن داستان فانتزی کمک می‌کند، افراط در برخی موارد هم می‌تواند از لطف آن بکاهد. در مثال بالا و موارد دیگری که در این اثر می‌توان دید، مخاطب ممکن است با این پرسش مواجه شود که چگونه یک پری توانایی نامرئی شدن دارد؛ اما همچنان نیازمند چراغ‌قوه است؟ این چالش از آنجا تقویت می‌شود که ما در خلال داستان موارد زیادی را می‌توانیم ببینیم که شخصیت‌های داستان با عملی جادویی کف دست خود را مانند یک چراغ روشن می‌کنند.

3- مواد چاپی

روزنامه و مجله

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«گفتم چقدر واسم آشناست. عکسش رو روی جلد مجله‌ی افسونگر روز دیدم. به مقاله‌ی چند صفحه‌ای درباره‌اش چاپ شده بود.» (ج:4: 167-168)

«نسخه‌ای روزنامه‌ی صبح آینده روی پیشخان افتاد. با نوک انگشت روزنامه را پیش کشید و جلوی او گذاشت...» (ج:5: 27).
نوشتن مقاله و گزارش برای روزنامه هم قابل توجه است:

«فرانک خندید: جزئیاتش رو فردا برام کامل بگو. باید به مقاله‌ی اختصاصی برای صبح آینده بنویسم، این قضیه رو هم تو قسمت حواشی جا میدم.» (ج:3: 25)

4- منسوجات

کیف و شال

«رازیان از جا جست، کیفش را از روی یکی از قفسه‌ها برداشت، شال پشمی بزرگی روی شانه‌هایش انداخت و دو سرش را گره زد...» (ج:1: 33).

کتانی و شلوار

«آبتین در خاطره‌ی بعدی روی لبه‌ی پستی یکی از نیمکت‌های سنگی محوطه‌ی مدرسه‌ی جاودان مهر نشسته بود و کف کفش‌های کتان‌اش را روی نشیمن نیمکت گذاشته بود. شلوار جین آبی‌رنگش مثل همیشه از لای دگمه‌های نیمه‌باز پایین ردایش نمایان بود» (ج:1: 203)

کوله‌پشتی

«میانه‌ی بام نشست و کوله‌پشتی‌اش را در بغل گرفت. هوا سوز داشت» (ج:4: 163).

ج. اعمال و رسوم انسانی

شهر، فضای فعالیت انسان‌هاست. در هر محیط شهری، به تأثیر از باورها و امکانات مادی موجود، فعالیت‌های انسانی شکل می‌گیرند. این فعالیت‌ها همان‌طور که گفتیم یا بر گرفته از باورها و رسوم کهن است (عید نوروز) یا برای رفع نیاز انسان به تفریح خاطر ایجاد می‌شوند (مسابقات) و گاه نمودی از پیشرفت تجربیات و آگاهی‌های گذشته هستند (پزشکی).

کارهای روزمره

«سرانجام رازیان به کارگاه رفت و ماندانا و آبتین که مشغول شستن و خشک کردن ظرف‌ها بودند تنها ماندند» (ج:1: 43).
«چاقو را برداشت و سیب‌زمینی‌ها را هم خرد کرد. دوباره سراغ قابلمه رفت. بشقاب سیب‌زمینی‌های خردشده را در دست داشت» (ج:1: 252).

عید نوروز

«در فاصله‌ی اندک مانده تا تحویل سال، در رنگ‌آمیزی تخم‌مرغ‌های عید به رازیان کمک می‌کرد و آبتین سر میز دایره‌ای شکلی که سفره‌ی هفت‌سین روی آن چیده شده بود...» (ج:1: 106).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پزشکی

«البته اگر یه کم جادو هم با بخیه قاتی کنی زخم زودتر از وقتی که بخیه‌ی خالی می‌زنی جوش می‌خوره» (ج:4: 136).

مسابقه

در بخش‌های مختلفی از رمان دشت پارسوا شاهد برگزاری مسابقات و رقابت میان پریان هستیم. مراحل و نوع این مسابقات بیشتر یادآور رمان‌ها و فیلم‌های فانتزی غربی (خاصه هری‌پاتر) است. به نظر می‌رسد نویسنده به‌رغم بخشیدن رنگ و بوی ایرانی به جریان مسابقه (حضور ببر ایرانی در جلد چهارم: ص 81) همچنان نتوانسته است از قید تصاویر غربی رها شود.

«بنفشه به هدف‌های متحرک تیراندازی می‌کرد. نریمان هم دیگر درون راهروهای آینه‌ای نبود...» (ج:4: 36)

«صالح یوسف به صندلی‌ها اشاره کرد... چالش‌هاتون از این قراره: یک. مبارزه با سرابتن مجازی. دو. شکار اژدهای بدون بال مصری. سه. اتاق تاریک. چهارم. رام کردن تالمن...» (ج:4: 193).

در ادامه می‌خوانیم: «هر زمان احساس کردین لازمه می‌تونین اتاق رو ترک کنین که البته در این صورت علاوه بر کسب امتیاز منفی، انصراف‌تون باعث میشه اون دسته از هم‌گروهی‌هاتون، هم که هنوز موفق به اتمام چالش‌شون نشدن، دیگه اجازه‌ی ادامه رقابت رو نداشته باشن...» (ج:4: 194).

«به محض ورودتون به اتاق‌ها، سرابتن مجازی، تالمن و اژدهای مصری برای هم‌گروهی‌هاتون آزاد می‌شن...» (ج:4: 200)

د. غذاها و خوراکی‌ها

غذاها و خوراکی‌ها در رمان دشت پارسوا نیز اغلب برگرفته از دنیای واقعی است. هرچند محلول‌های جادویی و شفابخش و سایر نوشیدنی‌ها و خوراکی‌ها را نیز می‌توان در این اثر یادآور شد؛ غذاها و نوشیدنی‌های دنیای واقعی نیز درخور توجه است.

چای

«یکی دو دقیقه بعد رازیان داخل سرسرا شد: چای می‌خوری؟ بیشتر شبیه یک دستور بود تا تعارف...» (ج:1: 49).

لوازم سرو و نوشیدن چای نیز برگرفته از دنیای واقعی است: «زفایان برگشت. سینی بزرگی را که همراه داشت روی میز گذاشت و یکی از شش لیوان چای درون آن را برداشت...» (ج:2: 241)

شیر، شیرینی، تخم‌مرغ

«رازیان به مبل‌ها اشاره کرد: من می‌رم شیر داغ بیارم. از خودت پذیرایی کن! روی میز شیرینی عسلی هست. ماندانا که اصلا زیر نگاه‌های عجیب خانم فیروزی راحت نبود خم شد و تخم‌مرغ پخته‌ی ترک‌ترک شده را که همچنان روی زمین مانده بود برداشت» (ج:1: 109).

نان و مربا

«ماندانا با حرص از جا بلند شد و به آشپزخانه رفت، کتری را روی اجاق گذاشت و تکه‌ای نان و مربا خورد.» (ج:4: 132)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

میوه

«چهار ظرف لعابی که همپخ در قرص نان، پیاله‌های عسل و تکه‌ای پنیر مشترک بودند؛ اما در نوع میوه با هم تفاوت داشتند. قاچ‌های سیب، برش‌های انجیر، پاره‌های هلو و تکه‌های لوزی شکل هندوانه» (ج:4: 175).

نتیجه‌گیری

خلق رمان فانتزی امری دشوار و حساس است. نویسندگان فانتزی ایرانی نیز در تلاش برای احیای مولفه‌های بومی فانتزی هستند؛ اما همچنان مطالعه‌ی آثار یادشده حاکی از آن است که اغلب رمان‌های ایرانی نتوانسته‌اند به شکل آگاهانه از مولفه‌های فانتاستیک غربی فاصله بگیرند. به هر روی آشنایی با زندگی شهری و مصادیق آن در آثار فانتزی و سایر ژانرها تأثیرگذار بوده است. نویسنده برای ملموس ساختن فضا و مکان چاره‌ای جز تلفیق دنیای واقعی و خیالی ندارد؛ چراکه ساخت جهان کاملاً خیالی و تصویرسازی آن برای مخاطب امری دشوار است. با این دید، رمان دشت‌پارسوا کوششی است در عرصه‌ی ادبیات گمانه‌زن که با تلفیق زندگی شهری و جهان پریان، توانسته است روایت باورپذیری به مخاطب ارائه دهد. بررسی عناصر زندگی شهری در این اثر نشان می‌دهد که تصاویر دنیای واقعی و دنیای خیالی تا حدی متوازن و متعادل هستند. با این حال این رمان فانتزی نیز در ساخت و تصویرسازی فضای داستان، همچنان نمایانگر فضای غالب رمان‌ها و فیلم‌های فانتزی غربی است.

منابع

اصغری، جواد. (1388). بررسی زیبایی شناخت عنصر مکان در داستان. نثر پژوهی ادب فارسی (ادب و زبان)، جدید 26 (پیاپی 23)، 29-45.

حسن‌لی، کاووس، املشی، پیرصوفی (1391). بررسی محیط شهری و عناصر آن در داستان‌های کودک و نوجوان از سال 1360 تا 1369 هجری شمسی. پژوهش‌های ادب عرفانی، سال 5، ش 4، صص 1-30.

شریف‌نسب، مریم (1400). کارکرد عنصر مکان در داستان‌های شهری با رویکرد مطالعات فرهنگی (نمونه بررسی: کارکرد تهران در رمان‌های دهه‌های هشتاد و نود). فصلنامه پژوهش‌های ادبی، سال 8، ش 74، صص 62-

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

شیری زاده بلاسی، ناصر (1401). الفبای فانتزی ایرانی «بومی سازی عناصر فانتاستیک ادبیات کهن فارسی در ادبیات کودک و نوجوان». ج 1. تهران: نیش.

قربانی سپهر، آرش، جان پرور، محسن (1398). تبیین مفهوم و قلمرو معرفتی جغرافیای سیاسی فضای شهر. مجله‌ی پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال 4، ش 3، صص 47-77.

موسوی، مصطفی، جمالی، عاطفه (1388). فانتزی؛ چیستی و تاریخچه‌ی آن در ادبیات جهان و ایران. ادب فارسی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، سال 1، ش 2، صص 61-74.

Nix's, G. (2020). Gothic Spaces in Fantasy Fiction: Creating Place in. Gothic: studies of history, identity and space, 43.